**سايت حوزه علميه**

**انگیزه های جهانگردان مسلمان**

[گردشگری در تمدن اسلامی](http://hawzah.net/Hawzah/Articles/Articles.aspx?LanguageID=1&id=87577)، به انگیزه های گوناگونی انجام می پذیرفت و افراد را از خانه و وطن، به سرتاسر جهان می کشاند و به ترک اقوام و نزدیکان تشویق می کرد که به مهم ترین آنها اشاره می شود:   
1. کسب دانش: علاقه به دانش انسان را به حرکت و هجرت وا می دارد. آوازه مراکز علمی بزرگ و شخصیتهای ساکن در شهرهای گوناگون، اشخاص را به تکاپو و حرکت فرا می خواند. بسیاری از شخصیتهای فرهیخته علمی کسانی هستند که در پی فراگیری دانش به سیر و سفر پرداخته اند و این مهم در تمام رشته های علوم اسلامی شواهد و مدارک دارد.   
نهضتی که در قرن دوم و سوم هجری برای گردآوری حدیث ایجاد شده بود، افراد علاقه مند را وادار ساخت که به گردشگری برای ثبت و اندوختن حدیث بپردازند. شیخ صدوق (م:381ه/1002م.) سفر خود را برای گردآوری حدیث از رجب سال 339ه/950م تا سال 347ه/985م. ادامه داد. او از قم و ری به مشهد رفت و در شهرهای نیشابور، مرو، بغداد، کوفه، مکه، فید، همدان، بلخ، سرخس، ایلاق، سمرقمند و فرغانه به گردآوری حدیث پرداخته (22) و کتابهای مفیدی مانند: من لایحضره الفقیه، عیون الاخبار، علل الشرایع، معانی الاخبار، توحید، خصال و ثواب الاعمال، با باب بندی و موضوعات ابتکاری را نگاشته است.   
ابن عساکر (م:571ه/1176م.) صاحب کتاب گرانسنگ تاریخ دمشق، اهتمام زیادی به کسب حدیث داشت. وی، در این کتاب، شرح حال تمام کسانی را که از اول اسلام تا زمان وی به شهر دمشق آمده بودند نگاشته و دو سفر علمی به نقاط مختلف دنیای اسلام داشته است.   
سفر اول: نخست به بغداد رفت و در مدرسه نظامیه و دیگر حوزه های علمیه آن شهر حدیث شنید، فقه و خلاف و نحو آموخت. در سال 521ه/1117م. به مکه رفت و در مکه و مدینه از کسان بسیاری حدیث شنید. در بازگشت از مکه 525ه/1131م. در بغداد ماند. در خلال 5 سالی که در بغداد بود از شهرهای کوفه، موصل، رحبه، دیار بکر و جزیره دیدار کرد و با محدثان وحافظان حدیث گفت وشنید. سپس به دمشق بازگشت و ازدواج کرد.   
سفر دوم: ابن عساکر در 529ه/1135م. به قصد خراسان و از راه آذربایجان حرکت کرد. در این سفر با سمعانی صاحب انساب در مرو دیدار کرد و همراه او به نیشابور و هرات رفت. در این سفر 4 ساله در نیشابور، مرو، مزار، سرخس، ابیورد، طوس، بسطام، بیهق، دامغان، زنجان، تبریز، ری، اصفهان، حلوان و همدان حدیث گفت و شنید. شمار اساتید او را درحدیث بالغ بر 1300 مرد و بیش از 80 زن نوشته اند. (23)   
او کتاب «الاربعین البلدانیه» را در این سفرنگاشت که چهل حدیث در چهل مکان، در چهل موضوع از چهل محدث، شنیده بود.   
این دو نمونه ای از محدثان شیعه و اهل سنت بود که به آن اشارت شد.   
برای فراگیری دانش فقه نیز بسیاری از فرهیختگان به گردشگری پرداختند و سرزمینهای گوناگون را در نور دیدند، تا از محضر بزرگان بهره برند. از جمله شافعی بود که هم در عراق و حجاز بوده و هم در مصر به سر برده است. علامه حلی، شهید اول و ثانی، کراجکی و شیخ بهائی را می توان از دانشمندان شیعه به عنوان نمونه معرفی کرد. سفرهای علمای شیعه سبب آگاهی آنان از آرای فقهای اهل سنت و ارائه دیدگاههای نو می شد؛ از این روست که دیدگاههای علامه حلی و دو شهید از برجستگی خاصی برخوردار است و فروعهای بیش تری را مطرح کرده اند.   
در دانش عرفان بزرگان صوفیه برای کسب معنویت و بهره بردن از محضر بزرگان به گردشگری می پرداختند و این امر در میان عرفا از ویژگی خاصی برخوردار است. حلاج (م:309ه/922م.) ابن عربی (م:638ه/1241م.) مولوی (م:670ه/1271م.) نسفی (م: 616ه/1219م.) مؤلف المصباح فی التصوف و... بارها به سیاحت پرداخته اند. آنان افزون بر فراگیری دانش به نشر اندیشه خویش در این سفرها دست می زدند و مریدان دلباخته ای را با خود همراه می ساختند. (24) در علوم دیگر نیز، این گردشگری معمول بود پختگی اندیشه های افرادی مانند: بوعلی و سعدی از سفرهایی نشات می گیرد که در آن به تجربه اندوزی پرداخته اند.   
2. تبلیغ: تبلیغ و نشر اندیشه اسلامی یکی دیگر از انگیزه های جهانگردان مسلمان بود. برخی از سفرنامه نویسان انگیزه سفر خویش را نشر احکام دینی دانسته اند.   
احمدبن فضلان بن عباس بن راشد، از گردشگرانی است که هدف اصلی خویش را تبلیغ و آشنا ساختن مردم بلغار با اسلام معرفی کرده است. وی در صفر 309ه/921م. همراه گروهی به عنوان فرستاده خلیفه عباسی المقتدر بالله، به جانب بلغارستان حرکت کرد. علت این ماموریت این بود که پادشاه بلغار و مردمش در ایام المقتدر، مسلمان شدند و او نماینده ای را نزد خلیفه فرستاد و از او خواست کسی را بفرستد تا به آنان نماز و احکام دینی بیاموزد. برای آنها مسجد بسازد و منبری نصب کند، تا در تمام شهرها و اقطار مملکت، اسلام را معرفی کنند و خود را از پادشاهان مخالف حفظ کند. (25)   
یاقوت حموی می نویسد: از چگونگی اسلام آنها اطلاعی ندارد و فقط اطلاعات وی از رساله ابن فضلان است. (26) یاقوت از این سفرنامه درمعرفی شهرهای: خوارزم، باشغرد، بلغار، اتل، روس و خزر، استفاده کرده است. بارتولد: معتقد است ایتخت بلغارها که ابن فضلان به آن جا رفته، نزدیک روستای کنونی بلغاری، واقع در جمهوری خود مختار تاتارستان شوروی سابق است. (27)   
از دیگر جهانگردان شیخ احمد قمی است. وی، در سال 922ه/543م. در قم متولد شد و در زمان حکومت صفویه که گروههایی از طلاب و روحانیون ایرانی همراه تجار و جهانگردان علاقه مند برای تبلیغ و تجارت به سوی دیگر کشورها می رفتند، شیخ احمد قمی نیز به سیام (تایلند) رفت و ده سال به تبلیغ پرداخت و در شهر آیوتایا شهرت زیادی پیدا کرد و شماری را مسلمان کرد و با خانمی از خانواده های بزرگ و سرشناس آن جا ازدواج کرد. تبار وی هم اکنون مسلمانان تایلند را تشکیل می دهند و در سال 1385ه/1965م. سنگ قبر وی مشخص شد و یکی از نوادگان او به نام احمد، همراه با دیگر نوادگانش که شماری بودایی نیز هستند، مقبره ای برای وی ساختند. (28)   
به نظر می رسد که ارتباط دربار صفویه با سیام و منطقه تایلند، زیاد بوده است. در سال 1096ه/1685م. محمد ربیع بن محمد ابراهیم به عنوان واقعه نویس همراه با هیاتی به سرپرستی محمد حسین بیک به سوی سیام رفت. محمد ربیع سفرنامه خود را به نام «سفینه سلیمانی » نگاشت و گزارش نسبتا خوبی ارائه داد. (29)   
مسلمانان اندونزی اسلام خود را مرهون دو جهانگردتاجر عرب ایرانی نژاد، به نامهای: عبدالله عریف و برهان الدین شاگرد وی، بودند که از بارزگانان مقیم گجرات هند به شمار می رفتند. (30) بنابراین، تبلیغ اسلامی یکی از انگیزه های جهانگردان مسلمان و تاجران مؤمن بوده است.   
3. آشنایی با جهان: شماری از سیاحان مسلمان درصدد بودند با سرزمینهای مختلف آشنا شوند و از آغاز سفر خویش نیز در پی آگاهی و اطلاع از وضعیت شهرها، آداب و رسوم و شگفتیهای تاریخی و منطقه ای بودند و در ضمن از فراگیری دانش و آشنایی با دانشمندان بزرگ غافل نبودند. اینان دست آوردهای سفر خویش را در گزارش رخدادها خلاصه نمی کردند، بلکه با استفاده از آن به نگارش تاریخ و جغرافیا دست می زدند و یا به روشنگری مسائل علمی می پرداختند.   
4. ماموریت رسمی: گروهی از جهانگردان، سفیران و نمایندگان دولتها و حکومتهای دینی بودند که به سرزمینهای دیگر اعزام می شدند. آنان در ضمن انجام اموریت خاطرات خود را می نگاشتند و به تشریح وضعیت اجتماعی مردم آن منطقه ها و سرزمینها و آداب و رسوم آنان می پرداختند. سفرنامه ابو دلف در یک ماموریت رسمی نگاشته شده است.   
**پی نوشت ها:**   
22. «معانی الاخبار»، شیخ صدوق 9/، مقدمه ربانی شیرازی 19/ 25.   
23. «دائرة المعارف بزرگ اسلامی »، ج 4/294 292.   
24. «تاریخ التراث العربی »، فواد سزگین، ج 4 فی العقائدوالتصرف 137/، 138، کتابخانه آیت الله مرعشی، قم.   
25. «سفرنامه ابن فضلان »، ترجمه سید ابوالفضل طباطبائی، چاپ دوم انتشارات شرق، تهران.   
26. «معجم البلدان »، یاقوت حموی، ج 160/486، دار احیاء التراث العربی.   
27. «دائرة المعارف بزرگ اسلامی »، ج 4/403.   
28. مجله «نامه فرهنگ »، شماره 9/163، 166.   
29. «نخستین رویاروییهای اندیشه گران ایران با دو رویه تمدن بورژوازی غرب »، دکتر عبدالهادی حائری 164/، امیرکبیر، تهران.   
30. «جهان اسلام »، مرتضی اسعدی، ج 1/285.